



می‌پردازد، بلکه در آن است که دانش آموزان ایرانی در زیر سیطره رژیم می‌مدرسه می‌روند که با علم و دانش سر ستیز دارد، و اشاعه دهنده

ادامه در صفحه ۲

آغاز سال تحصیلی جدید: امیدها و نگرانی‌ها برای چهارده میلیون دانش آموز

با به صدا درآمدن زنگ مدارس در اول مهرماه، سال جدید تحصیلی برای کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی آغاز گشت. در این روز بیش از چهارده میلیون دانش‌آموز با امید به آینده و فراگیری علم به مدرسه رفتند.

اهمیت این روز نه تنها در این است که نسل آینده کشور از هم‌اکنون با بیم‌ها و امیدها به درس و مشق



شماره ۷۷۴، دوره هشتم
سال بیست و یکم، ۷ مهرماه ۱۳۸۶

اعلامیه پر اهمیت احزاب کارگری و کمونیستی جهان در ارتباط با خطر برخورد نظامی میان آمریکا و ایران در ص ۸

خیز اقتصادی به کدام سو؟!

همزمان با انتشار گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی از خلاصه رویدادهای اقتصادی ایران در سال‌های اخیر، مقامات ریز و درشت ارتجاع حاکم با استناد به این گزارش اعلام داشتند که، با تدابیر انجام شده در زمینه مسایل مبرم اقتصادی-اجتماعی، ایران در مرحله خیز اقتصادی قرار دارد.

خبرگزاری "مهر"، در اوایل شهریور ماه، این گزارش را با نام "ایران در مرحله خیز اقتصادی" منتشر ساخت و از جمله نوشت: "در گزارش بانک مرکزی آمده است، اقتصاد ایران اولین سال‌های اجرای برنامه چهارم توسعه از سند چشم‌انداز بیست ساله کشور را با عملکرد نسبتاً مطلوبی پشت سر گذاشت. در این سال‌ها علی‌رغم تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، اقتصاد کشور بر مبنای سیاست‌های اقتصادی برنامه چهارم، که مبتنی بر تعامل فعال و سازنده با اقتصاد جهانی و رقابت پذیری است، همچنان به مسیر رشد خود ادامه

ادامه در صفحه ۳

غرفه «نامه مردم» در فستیوال
اومانیته
امپریالیسم، دیکتاتوری نظامی، بنیاد
گرایی اسلامی، و جنبش مردمی در
پاکستان
در ص ۵
در ص ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شصت و شش سال پیکار حزب توده‌های کار و زحمت، حزب زنان، جوانان و دانشجویان مبارز، حزب خلق‌های دربند، و حزب میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان برای رهایی از بندهای استبداد و ارتجاع، و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!



حزب همچنان پیگیر به مبارزات خود ادامه داده است. ارتجاع و امپریالیسم از بنیان‌های فکری و سیاسی حزب ما و از توان سازمان‌دهی کارگران و توده‌های محروم آنچنان هراسان بوده و هست که تنها زمان کوتاهی از حیات شصت و شش ساله

ادامه در صفحه ۶

هم میهنان عزیز!
با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۸۶، شصت و شش سال از تاسیس حزب توده ایران، کهن‌ترین سازمان سیاسی کشور، حزب توده‌های کار و زحمت، حزب زنان، جوانان و دانشجویان مبارز، حزب خلق‌های دربند و حزب همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان کشور می‌گذرد. تولد حزب توده ایران در مهرماه ۱۳۲۰، در دورانی که ایران در چنگال عقب‌ماندگی اجتماعی، مداخلات وسیع قدرت‌های استعماری و حاکمیت ارتجاع داخلی دست و پا می‌زد، واقعه‌ی بزرگ بود که منشاء تحولات مهم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کشور ما شد. اگرچه در طول شصت و شش سال گذشته از چپ و راست بر حزب ما تاخته‌اند، و اگرچه دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت‌های ارتجاعی، و بلندگوهای امپریالیسم جهانی تلاش کرده‌اند تا با قلب حوادث تاریخی، ماهیت انقلابی و رزمنده حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور را واژگونه ترسیم کنند، با اینهمه، حزب ما از دشوارترین آزمون‌های تاریخی سربلند بیرون آمده است، و با وجود حملات گسترده ارتجاع، دستگیری، شکنجه و اعدام ده‌ها هزار تن از اعضا و هواداران

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه آغاز سال تحصیلی جدید ...

افکار بیمارگونه و قرون وسطایی است. رهبران و مسئولان رژیم، چه دولتی و چه غیر دولتی، بنابر ماهیت ارتجاعی شان در طی سال های اخیر بی کفایتی خود را در زمینه های گوناگون از جمله آموزشی از دبستان گرفته تا دانشگاه نشان داده اند. مسئله ای که در این جا باید بر آن تاکید کرد این است که در زمینه آموزش و امور تربیتی، انگیزه و امید به آینده برای دانش آموزان و دانشجویان کشور ما بسیار مهم است. زیرا تنها با داشتن انگیزه و امید به آینده است که میلیون ها دانش آموز می توانند فارغ از مشکلات و دشواری ها خود را برای فردا آماده کنند. و این امری است که به "برکت" جمهوری اسلامی روز به روز سیر نزولی طی می کند. از یک سو صدها هزار فارغ التحصیل پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات خود بیکار و بدون اشتغال مانده اند، و از سوی دیگر صدها هزار تن دیگر پشت درهای دانشگاه به امید عبور از هفت خان کنکور و ورود به دانشگاه انتظار می کشند. و این موارد تنها ابعاد آموزشی و تحصیلی دانش آموزان را در بر می گیرد، والا دامنه مشکلات دانش آموزان مهین ما بسیار فراتر از این است. مسائل دست و پا گیری چون حجاب تحمیلی به دانش آموزان دختر در همان سنین ورود به دبستان، تفکیک جنسی از همان سنین کودکی و غیره با همه عواقب اجتماعی آن، از دیگر مواردی است که مسئولیت اصلی آن بر دوش طراحان و سیاست گذاران رژیم ولایت فقیه می باشد. آنها در ظرف سی سال گذشته با دخالت در سیاست های آموزشی و تربیتی برای هرچه اسلامی تر کردن جامعه هرگونه چشم انداز امید آفرینی را تیره و تار کرده اند. با این حال، ما اعتقاد داریم که با وجود این موانع و مشکلات، آینده از آن کودکان و جوانان مهین ما است. بدون تردید ایرهای سیاه تاریک اندیشی و علم ستیزی بر آسمان مهین گذراست و افتاب حقیقت و دانش بر مهین ما خواهد درخشید. شکی نیست که دانش آموزان و دانشجویان سهم خود را در مبارزه با تاریک اندیشی و ارتجاع ایفاء خواهند کرد.

گذشته از این، سال جدید تحصیلی هم چون سال های گذشته با کمبودهایی آغاز شد. در این زمینه کافی است به نبود فضای کافی آموزشی و چند شیفته بودن مدارس اشاره گردد. علاوه بر این گرفتن شهریه (به بهانه های گوناگون و با کلاه شرعی هم چون داوطلبانه بودن پرداخت آن برای والدین و غیره) یکی دیگر از مواردی است که بر گرده بسیاری از خانواده ها، به ویژه قشرهای زحمت کش و کم درآمد، سنگینی می کند. واقعیت این است که بسیاری از پدران و مادران به دلیل فقر و گرانی حتی نمی توانند نیازهای اولیه مانند تهیه کیف و دفتر و لوازم آموزشی فرزندان خود را تامین کنند.

آغاز مهرماه هم چنین نشانگر شروع فعالیت و کار خستگی ناپذیر صدها هزار معلم در محیط های آموزشی است. قشری که با وجود مسئولیت آن در پرورش نسل های آینده مهین ما، آن گونه که بایسته آن است مورد توجه قرار نمی گیرد. معلمان مهین ما با مشکلات عدیده ای از جمله پایین بودن حقوق و گاه به تعویق افتادن همین حقوق به مدت چندین ماه رو به رو هستند. ناچیز بودن حقوق معلم، ده ها هزار تن از معلمان کشور ما را وادار می کند که در ساعات پس از مدرسه و گاه شب ها به کارهای دیگری برای تامین معاش بپردازند که هیچ گونه همخوانی با کار آموزشی و پرورشی ندارد. این امر بدون شک دارای عواقب فاجعه بار فرهنگی و آموزشی برای معلمان و دانش آموزان است. جای تردیدی نیست که مسئولیت عواقب این امر نه بر دوش معلمان زحمت کش و رنج دیده بلکه بر عهده مقامات و مسئولان دولتی است که توجهی به نیازها و خواسته های این قشر نشان نمی دهند. بدون دلیل نبود که در سال گذشته تحصیلی معلمان سراسر کشور با اعتراضات مختلف خود از جمله حضور و تحصیل در مقابل مجلس خواهان برآوردن حقوق خود شدند. صحبت بر سر این است که با وجود گرانی روزافزون و کم رشن و با به تعویق افتادن حقوق (به خصوص معلمان غیر رسمی) چه راه دیگری در مقابل معلمان وجود دارد جز اینکه به کارهای دیگر بپردازند؟ مسئله دیگری که استادان و معلمان غیررسمی با آن روبه رو هستند طفره رفتن مقامات دولتی از استخدام رسمی آنان است. هم اکنون معلمانی وجود دارند که پس از گذشت سال ها از تدریس و انجام وظیفه مسئولانه خود هنوز در بالاترین سطحی به سر می برند. رژیم از این موضوع به عنوان یک ابزار فشار و تهدید استفاده می کند، تا هرگونه صدای مخالفت و اعتراضی را در نطفه خفه کند. درباره کنترل محیط های آموزشی و فشارهای بیشتر بر دانش آموزان و دانشجویان و معلمان، البته رژیم

بیکار ننشسته و در هفته های گذشته دست به شگردهایی زده است که توجه بدان ها مهم است. مقامات انتظامی با یورش به برخی از کانون های صنفی معلمان در برخی شهرها، تعدادی از آن ها را متحل کردند. اکنون که مدارس دوباره شروع به کار کرده اند باید دید که پاسخ معلمان در مقابل این تشبیهات چه خواهد بود. آن چه که به محیط های دانشگاهی و دانشجویی مربوط می شود، این است که در هفته پیش از آغاز مهرماه زمزمه تصویب آیین نامه ای که زمینه فعالیت را برای تشکل های دانشجویی محدود کند، مطرح بود. برخی از فعالان دانشجویی از این موضوع، در ابتدای سال تحصیلی، جدید ابراز نگرانی کردند. دانشجویان مبارز اخیراً با مروری بر کارنامه وزارت علوم در سال تحصیلی گذشته، به بیان مشکلات و نگرانی های خود پرداختند، زیرا به اعتقاد آنها روش وزارت علوم نسبت به تشکل های دانشجویی منتقد، رویکرد سلبی بوده است. برای نمونه، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در این باره می گوید: "وزارت علوم در سال تحصیلی گذشته رویکردش با تشکل های منتقد به گونه ای بود که حتی آنها برای اصل مجوز در رابطه با برنامه های مختلف دچار مشکل می شدند و از سوی دیگر نیز برخی دانشجویان منتقد بازخواست می شدند. به نظر می رسد دیدگاه ها و برنامه های وزارت علوم در سال تحصیلی جدید تغییر نکند و برخی شواهد حاکی است که قرار است با تصویب آیین نامه زمینه فعالیت برای تشکل های دانشجویی محدود شود." محمدجواد بدیع الزمان، دبیر واحد فوق برنامه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، نیز در این باره خاطر نشان می کند: "به نظر می رسد مدیریت دانشگاه ها به سمتی پیش می رود که فعالیت تشکل های دانشجویی کم رنگ شود و فعالان سیاسی دانشجویی تنها به درس خود بپردازند." بنابراین در حالی که دانش آموزان، دانشجویان و معلمان خواهان باز شدن فضای آموزشی برای رشد و تکامل و شکوفایی استعدادها هستند، مقامات سعی می کنند به هر بهانه ای با بستن فضاها مانع آن شوند. این است مبارزه ای که در محیط های آموزشی مهین ما جریان دارد و بدون تردید بازنده آن رژیم خواهد بود. حزب توده ایران، ضمن آرزوی موفقیت برای دانشجویان، دانش آموزان، معلمان و استادان زحمت کش در سال جدید تحصیلی، پیروزی آنان را در راه کسب دانش و علم، و موفقیت در مبارزه با تاریک اندیشی را خواهان است. بدون شک همان گونه که معلمان مبارز مهین ما در سال گذشته با مبارزه جانانه برای کسب حقوق صنفی و سیاسی خود تلاش کردند، در سال جدید نیز این مبارزه در همه زمینه ها ادامه و گسترش خواهد یافت. ما همبستگی خود را با معلمان، دانش آموزان، دانشجویان و استادان شریف و آزادی خواه، در سال تحصیلی جدید اعلام می کنیم.

ادامه غرغره "نامه مردم" ...

مخفیانه دولت در مورد تصویب قانون اساسی جدید اتحادیه اروپا گفت: "اجازه دهید که مردم فرانسه کاملاً از محتوای این "قرار داد جدید" آگاه شوند تا بتوانند در باره آن بحث کنند، بتوانند نظرشان را بدهند. این امر که سارکوزی نتواند حقیقت را پنهان کند، بسیار با اهمیت است. این آینده اروپاست، آینده هریک از ملت های تشکیل دهنده آن است، آینده هر خانواده و نیز مربوط به نسل های آینده است... در چند سال اخیر، حجم تولید ثروت در فرانسه سه برابر شده است. آیا حقوق و درآمد مردم نیز چنین افزایشی داشته است؟ البته که نه و این بر کسی پوشیده نیست... زمان آن رسیده است که جنبشی یکپارچه برای ریشه کن کردن تدریجی بیکاری ایجاد کنیم. باید روندی جدید برای بیمه های اجتماعی کار و دوره های کار آموزی تدوین شود که بطور همیشگی امنیت زندگی شهروندان را تضمین نماید... ما در خدمت این جبهه متحد برای تغییرات اساسی هستیم.

فستیوال اومانیتته امسال تم مشخص و برجسته ای در رابطه با تحولات پر اهمیت امریکای لاتین داشت و در جریان آن مراسمی در یاد بود چهلمین سالروز قتل "چه گوارا" بر گزار شد. دختر "چه گوارا"، "الیدا گوارا" در غرغره های مختلف در این گرد همائی ها شرکت کرد و در سخنرانی خود گفت: "از "چه" سخن گفتن بسیار دشوار است... من مدت بسیار کمی افتخار زیستن یا پدرم را داشتم. اما مادرم که با عشق و علاقه او را دوست می داشت به ما موخت که پدرم را دوست داشته باشیم، گوئی او همواره در زندگی ما حضور دارد. من در ۱۶ سالگی از خود پرسیدم چرا و چگونه باید پدرم را دوست بدارم. نوشته هایش را خواندم. تمام نوشته هایش را. در این نوشته ها انسانی را یافتم و شناختم با احساسات عظیم. کسی که قادر بود در مقابل بی عدالتی واکنش نشان دهد و قیام کند..."

میزگرد ویژه "دهکده جهانی" امسال به امریکای لاتین اختصاص داشت و پلاتفرم های انقلابیون و ترقی خواهان کشورهای این منطقه جهان، و از جمله شیلی، کوبا، بولیوی و ونزوئلا برای توضیح ویژگی های مبارزات مردم این کشورها به شرکت کنندگان فستیوال ارائه شد.

ادامه خیز اقتصادی ...

داد.

از سوی دیگر، سعید لو، معاون اجرایی رییس جمهور، با تاکید بر روند آزاد سازی اقتصادی و زدودن کلیه مقررات "دست و پاگیر" موجود برای سرمایه گذاران، در جریان جلسه مشترک سرمایه گذاران و تجار داخلی در جزیره کیش یاد آوری کرد: "رویکرد دولت نهم ایجاد بستر لازم برای سرمایه گذاران است، نگاه ما در دولت به مناطق آزاد به ویژه برای منطقه آزاد کیش، ایجاد فرصت برای سرمایه گذاران است و در این خصوص تمهیدات اساسی را برای سرمایه گذاران فراهم کرده ایم." معاون احمدی نژاد سپس با اشاره به ابلاغیه اصل ۴۴ و به اصطلاح خیز بلند اقتصادی رژیم متذکر شد: "امروز واگذاری اقتصاد در قالب ابلاغیه اصل ۴۴ اجرایی می شود و دولت درصدد است که از تصدی گری امور بکاهد." باید دید آنچه را که رژیم ولایت فقیه خیز اقتصادی، و یا به تعبیر معاون اجرایی رییس جمهور، خیز بلند اقتصادی می گوید چیست، و محتوی آن شامل چه مواردی می گردد و اصولاً این خیز اقتصادی که قاعدتاً بر آینده مهین ما تاثیر جدی و تعیین کننده باقی خواهد گذاشت، به سود کدام طبقات و لایه ها و به زیان چه کسانی است و به طور کلی سمت و سوی آن چگونه است؟

برخلاف تبلیغات پر سروصدای دولت احمدی نژاد و رسانه های هوادار رژیم ولایت فقیه، گزارش های داخلی و خارجی انتشار یافته پیرامون اوضاع اقتصادی کشور به هیچ روی مطلوب و امیدوار کننده نیست. روزنامه "اعتماد"، ۱۶ مرداد ماه، گزارش عملکرد تجاری ایران را در ۴ ماه نخست سال جاری منتشر ساخت که در آن آمده است: "رشد ۱۲ درصدی میزان واردات در مقابل رشد ۲ درصدی صادرات غیر نفتی در ۴ ماه سال جاری نسبت به سال ۸۵ کارشناسان اقتصادی را شگفت زده نکرد، زیرا هشدارهای داده شده نسبت به درمان تب وارداتی اقتصاد و ارزش صادراتی در پس تکرار رو به نخ نمایی رفته و تأثیری بر تغییر مسیر هزینه کردن دلارهای نفتی ایجاد نکرده است."

بر اساس این گزارش، گمرک ایران، طی ۴ ماه اول سال، ۱۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار واردات کالا داشته است. کل صادرات غیر نفتی ایران رقم ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار را شامل می شود که کمتر از یک سوم واردات کشور است. در صورت ادامه این روند، باید انتظار داشت واردات کالا به کشور تا پایان امسال چیزی بیش از ۴۵ میلیارد دلار شود سیل بنیان کن واردات، که فقط و فقط به سود کلان سرمایه داری تجاری است، سبب نابودی بنیه تولیدی و رکود صنایع و تولیدات داخلی شده است.

روزنامه "سرمایه"، ۲۰ تیرماه، در ارتباط با مشکل تامین مواد اولیه پولاد سازان گزارش داده بود: "رشد یک هزار درصدی واردات در مقابل کاهش تولید داخلی، اتخاذ برخی سیاست های نامناسب باعث کاهش ۲۵ درصدی میزان تولید پولاد کارخانجات دولتی طی دو ماهه اول امسال در مقایسه با مدت مشابه سال قبل شد. هم اکنون برخی کارخانجات پولادسازی بخش خصوصی با ۱۵ تا ۳۰ درصد ظرفیت خود فعال هستند. طی سه ماهه اول سال گذشته حدود ۶۱ هزار تن میلگرد به کشور وارد شد که این رقم طی سه ماهه اول امسال به حدود ۶۰۴ هزار تن رسیده که به این ترتیب تقریباً شاهد ۱۰ برابر شدن این واردات هستیم. بانک ها پرداخت تسهیلات به تولید کنندگان پولاد را رد می کنند. اما به تجار وارد کننده همه گونه تسهیلات اعطا می کنند."

روزنامه "سرمایه" در گزارش دیگری، ۴ مرداد ماه، نوشت: "صنایع کشور تحت فشار مالی ناشی از پرداخت بدهی های ارزی هستند. بسیاری از صنایع هم اکنون به دلیل ناتوانی در باز پرداخت بدهی های ارزی خود با مشکلات متعددی مواجه شده اند و در آستانه ورشکستگی قرار گرفته اند." همچنین روزنامه مزبور، در ۲۸ مرداد ماه، از تعطیلی کامل ۳۰۰ کارخانه تولید کود شیمیایی بر اثر عدم همکاری دولت در خرید محصول خبر داد و تاکید کرد: "۳۰۰ کارخانه بخش خصوصی تولید کود شیمیایی به تعطیلی کشیده شد. با تعطیلی ۱۸ ماهه که گریبانگیر ۳۰۰ واحد تولید کود کامل با حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر کارگر بیکار شده است اگر ادامه یابد، در آینده هیچ سرمایه گذار داخلی رغبت حضور در رشته های تولیدی را پیدا نمی کند." از دیگر سو روزنامه "دنیای اقتصاد"، ۳ شهریور ماه، در گزارشی راجع به وضعیت صنایع اعلام داشت: "تامین برق، آب و گاز طرح های صنعتی در تنگنا است" مدیر عامل شرکت ملی پولاد

در این باره می گوید، در شرایط حاضر اکثر صنایع کشور، نگران تامین برق هستند و در برابر قطع برق و وارد شدن زیان های میلیاردی خود را متحمل می بینند."

در حالی که صنایع کشور از عدم تامین برق کافی رنج می برند و متحمل خسارات میلیاردی می شوند که این نیز به نوبه خود پایه های اقتصادی را نیز می فرساید، وزیر نیرو با صراحت از کاهش حجم سرمایه گذاری در صنعت استراتژیک برق خبر می دهد.

درگرماگرم تبلیغات پیرامون خیز اقتصادی جمهوری اسلامی، برخی کارشناسان اقتصادی علت تاخیر اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی در ارائه گزارش شاخص های اقتصادی را وضعیت نگران کننده بخش صنعت و کاهش شدید رشد این بخش ارزیابی کردند.

روزنامه "سرمایه" در اواخر تیرماه، در این باره خاطر نشان ساخت: "نکته قابل توجه در این رابطه [تاخیر در ارائه گزارش] کاهش نرخ رشد بخش صنعت و تنزل آن به زیر رقم ۷ درصد است. اکنون بسیاری از کارشناسان اقتصادی نسبت به روند رشد بخش صنعت و معدن ابراز نگرانی کرده و تاخیر بانک مرکزی در اعلام آمار مربوط به سال ۱۳۸۵ به بعد را در راستای همین کاهش نرخ رشد اقتصادی بخش صنعت ارزیابی می کنند."

پیامد اجتماعی این سیاست ها، که بنیه تولیدی را نابود کرده و سبب رواج اقتصادی دلالی گردیده است، بیش از هر چیز دیگری ماهیت و سمت و سوی به اصطلاح خیز اقتصادی مورد نظر مرتجعان حاکم را از پرده برون افکنده و در معرض داوری همگانی قرار می دهد. در اوایل مرداد ماه سال جاری، پرویز داودی، معاون اول رییس جمهور، صراحتاً اعتراف کرد: "سرانه مصرف دهک های بالای جامعه ۱۷ برابر دهک های پایین است و درآمد دهک های بالای جامعه ۳۰ تا ۷۰ برابر دهک های پایین و اختلاف ثروت دهک های بالا حدود ۲۰۰ برابر دهک های پایین جامعه گزارش شده است."

روزنامه "سرمایه"، ۷ مرداد ماه، در گزارشی از گسترش فقر، یادآور می شود "طی چند سال اخیر، ۱۳ درصد به جمعیت زیر خط فقر اضافه شده است و براساس گزارش سازمان مدیریت [قبل از انحلال] ۱۰ درصد افراد زیر خط فقر مطلق و ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر خط فقر نسبی هستند." در همین رابطه یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس تاکید می کند که، در بعضی مناطق کشور تا ۲ میلیون نفر زیر خط فقر خشن و گرسنگی هستند.

این است محتوی واقعی خیز اقتصادی جمهوری اسلامی از دوران پایان جنگ هشت ساله! با اجرای فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، وضعیت اقتصادی و به دنبال آن اوضاع اجتماعی-فرهنگی جامعه ما هر روز بدتر و بدتر گردیده است. سیاست های موسوم به "تعدیل اقتصادی" و "اصلاح ساختار اقتصادی" وضعیتی را پدید آورد که واردات در آن رشد شگفت انگیز پیدا کرد و لاجرم اقتصاد بیش از پیش به سمت **دلالی** سوق داده شد. **تولید** به حاشیه رفت و **توزیع** بر جای آن نشست. طبق آمار رسمی، سهم شبکه توزیع و بازرگانی از درآمد ملی از ۸/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۵/۴ درصد در سال ۱۳۷۳ و به ۱۶ درصد در حال حاضر افزایش یافته است. این به معنای قدرت اقتصادی **دلالتان** و بخش تجاری سرمایه داری کشور است.

حال با چنین چشم انداز روشنی می توان به این پرسش که: خیز اقتصادی جمهوری اسلامی به کدام سو است و منافع کدام طبقه و قشرها را تامین می کند با قاطعیت پاسخ داد!

ادامه امپریالیسم، دیکتاتوری نظامی ...

جمله سازمان امنیت و اطلاعات به طور عمده دست نخورده باقی می ماند.

در همین احوال، نمایندگان گروه های شرکت کننده در کنفرانس احزاب مخالف (از جمله نیروی ترقی خواه «حزب ملی کارگران پاکستان») که در اواسط تابستان در لندن برگزار شد (ولته حزب خانم بوتو و حزب نواز شریف در آن شرکت نکردند) خواهان «اتحاد گسترده نیروهای دموکراتیک» برای کنار گذاشتن کل قشر بوروکراتیک - نظامی (و نه فقط ژنرال مشرف) از قدرت و برقراری قانون در پاکستان شدند. در اعلامیه نهایی این کنفرانس، برکنار کردن فوری مشرف از قدرت، برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه زیر نظارت یک دولت موقت، و حرکت به سوی اجرای سریع قانون اساسی سال ۱۹۷۳ به عنوان خواست های اصلی مطرح شده اند. حسین اختر، نماینده حزب ملی کارگران در کنفرانس، خواستار اتحاد مخالفان برای اجرای «سیاست خارجی مستقل و شرافتمندانه مبتنی بر منافع ملی پاکستان و نه منافع امپریالیستی آمریکا» شد و بر اهمیت اقدام هایی مثل تضمین حقوق زنان و اقلیت های ملی و العنای قوانین ضد سندیکایی و ضد کارگری تاکید کرد. به گفته اختر حسین، «حزب بوتو مدعی است که مخالف حکومت نظامیان است ولی این حزب همگام با امپریالیسم است و بعید نیست که با مشرف و ارتش سازش کند.»

سندیکایی قاطعانه حمایت می کند و تمام مساعی خود را در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان مانند همیشه به کار می گیرد!

خصوصی سازی مهد های کودک و حذف توزیع شیر یارانه ای

مهروری دولت احمدی نژاد این بار شامل حال کودکان معصوم کشور شد. چندی پیش گروهی از کارشناسان سازمان بهزیستی، طی نامه ای اعتراض خود، به حذف شیر یارانه ای در مهد کودک ها را اعلام و نسبت به پیامدهای زبان بار چنین سیاست هایی هشدار دادند. این کارشناسان حذف شیر یارانه ای را که برای رشد کودک امری ضرور تلقی می شود، اقدامی نسنجیده و خطرناک بر آینده ارزیابی کرده و خواستار توقف این برنامه شدند. از دیگر سو مدیر کل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور، با انتقاد از حذف مهد کودک های وابسته به سازمان بهزیستی کشور از چرخه توزیع شیر مدارس، آن را اقدامی غیر کارشناسی نامید.

روزنامه "سرمایه" ۲۴ شهریور ماه، در گزارش کوتاهی ضمن اشاره به حذف شیر یارانه ای کودکان در مناطق محروم کشور، از جمله نوشت: "مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی متذکر می شود، از مجموع مهد های کودک بیش از ۵ هزار و ۲۰۰ مهد در روستا واقع شده اند که سازمان بهزیستی با پرداخت یارانه آنها را سر پا نگه داشته است."

سپس در ادامه گزارش مذکور آمده است: "این تصمیم (حذف شیر یارانه ای) بنابه دو دلیل، خصوصی بودن مهد های کودک و متغیر بودن آمار جمعیتی آنها اتخاذ شده است. مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان بهزیستی با بیان اینکه خصوصی کردن مهد های کودک از سیاست های دولت در راستای کوچک کردن بدنه دولت بوده است، تصریح کرد، دولت باید این امر را مد نظر قرار دهد که خدمات قابل ارایه به مهد ها جزء خدمات اجتماعی است، نه خدمات اقتصادی، از طرف دیگر این سوال پیش می آید که تصمیم گرفته شده [خصوصی سازی و حذف شیر کودکان] چقدر با سیاست های دولت و شعار عدالت محوری همخوانی دارد؟"

در آمار ارایه شده از سوی کارشناسان سازمان بهزیستی، شیر یارانه ای در استان هایی توزیع می شد که اغلب خانواده های دریافت کننده آن در فقر مطلق قرار داشته و دارند.

در گزارش روزنامه "سرمایه" در این خصوص تاکید شده است: "در بسیاری از استان ها، خانواده ها به قدری نیازمند و محروم هستند، که اگر کودک یک روز نتواند به مهد بیاید، به مهد مربوطه مراجعه و شیر فرزند خود را دریافت و به خانه می برند."

حذف شیر کودکان و خصوصی سازی مهد های کودک توسط دولت "مهروری" و "عدالت محوری" تنها گوشه ای از برنامه اصلاح ساختار اقتصادی است که به صفحات مطبوعات راه یافته است.

حذف خدمات اجتماعی مهم ترین بخش این برنامه است و زبان اصلی این برنامه متوجه توده های محروم می شود.

انگلستان صاحب معادن طلای ایران!

پس از آنکه شرکتهای انگلیسی امتیاز اکتشاف، استخراج و فروش طلا از معدن واقع در استان کردستان ایران را در اوایل دهه ۸۰ به دست آوردند، رسانه های همگانی داخلی از واگذاری چندین معدن طلای دیگر به شرکتهای انگلستان خبر می دهند.

خبرگزاری "فارس" ۲۴ شهریور ماه، در گزارشی با عنوان: "پرشن گلد انگلیس مجوز فعالیت در ۲ معدن ایران را به دست آورد" به نقل از مطبوعات انگلیسی زبان از جمله "فایننشال تایمز" [تایمز مالی]، اعلام کرد: "شرکت انگلیسی پرشن گلد که در زمینه اکتشاف و استخراج معدنی در ایران فعالیت دارد، مجوز فعالیت در یک معدن طلا در نزدیکی تهران را کسب کرده است. این شرکت که پیش از آن عملیات حفاری در معدن طلای چاه زرد در جنوب ایران را انجام داده است، مجوز فعالیت در دو معدن دیگر در ایران را به دست آورده است."

به گزارش همین خبرگزاری، یکی از معادن جدیدی که به این شرکت واگذار شده است، دالی نام دارد که در ۲۰۰ مایلی جنوب غرب ایران واقع است.

این شرکت و چند شرکت دیگر انگلیسی در پی اکتشافات بیشتر در نقاط مختلف ایران هستند و مجوز اکتشاف برای آنها به راحتی صادر گردیده است. پرشن گلد تا بهمن ماه امسال عملیات حفاری و استخراج و سپس صدور طلا از این دو معدن را آغاز می کند.

نکته اساسی، سکوت رسانه های رژیم در باره چگونگی قرارداد با این شرکت هاست و اینکه چرا صدور و فروش طلای استخراجی از این معادن به خارجیان واگذار شده و اصولاً سهم ایران از این معادن به چه میزان است. گفتنی است که واگذاری امتیاز معادن طلا به شرکت های انگلیسی بدون کم ترین نظارت قانونی از سوی ارگان های ذی صلاح انجام گرفته و دولت احمدی نژاد و بنیادهای انگلی و اتاق بازرگانی از مدافعان سرسخت واگذاری ثروت های ملی از جمله معادن غنی کشور به شرکت های خارجی محسوب می شوند.



از خواست های سندیکای کارگران شرکت واحد حمایت کنیم!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در آستانه موعد رسیدگی به پرونده برخی اعضای خود، با صدور اطلاعیه ای به تاریخ ۲۰ شهریور ماه سال جاری، کارگران و رانندگان زحمتکش شرکت واحد و دیگر زحمتکشان و تشکل های مستقل صنفی راه به حمایت و پشتیبانی از سندیکالیست های در بند فرا خوانده است.

این سندیکا، در بخشی از اطلاعیه خود، ضمن اشاره به وضعیت معیشتی ناگوار زحمتکشان شاغل در شرکت واحد و تاکید بر خواست های به حق، مشروع و صنفی آنان، یاد آوری کرده است: "شرافت انسانی و همبستگی صنفی و غیرت و مردانگی حکم می کند از نمایندگان که با رای شما این مسئولیت [احیای سندیکای واحد] را پذیرفته اند و در راه بهبود شرایط زندگی همکاران خود تلاش و ایستادگی کرده اند و بارها دستگیر و زندانی شده اند دفاع کنیم و به آرای خود احترام گذاریم و همواره پشتیبان آن ها باشیم. هم اکنون که با شما سخن می گوئیم ۲ تن از اعضای هیات مدیره منتخب شما آقایان منصور اسانلو و ابراهیم مددی در رابطه با فعالیت صنفی و تشکیل سندیکا جهت دفاع از حقوق شما همچنان در زندان اوین زندانی شده اند... سندیکای کارگری منتخب شما در راه پیگیری خواسته های صنفی شما همکاران، نیازمند اتحاد و همدلی همگانی است."

سپس در پایان اطلاعیه، از مسئولان قوه قضاییه خواسته شده است تا به بازداشت غیر قانونی و نامتعارف اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد پایان داده شود. این خواسته به حق، در کنار تامین حقوق صنفی زحمتکشان شرکت واحد و نیز حمایت از سندیکای قانونی آنها، از پشتیبانی همه کارگران و زحمتکشان و تشکل های مستقل صنفی و نیروهای آزادیخواه برخوردار است.

حزب توده ایران، از خواست آزادی اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و همه فعالان کارگری در بند، و از جمله آقای محمود صالحی، و خواست احیای حقوق



فستیوال با نمایندگان احزاب برادر از کشورهای مختلف و از جمله فرانسه، آلمان، سوئیس، قبرس، اسرائیل، فلسطین، عراق، سنگال، ونزوئلا، برزیل، پرو و تونس تبادل نظر های سودمندی به انجام رساند. حضور نمایندگان احزاب برادر در غرفه "نامه مردم" تجلی جالب مظاهر همبستگی انترناسیونالیستی بود.

فستیوال مبارزه جوئی و تغییر!

مهمترین هدف و دستاورد جشن بزرگ "اومانیته" ارائه محیطی برای شروع بحث ها و تدارک وسیع و یکپارچه مبارزات مردم فرانسه در چارچوب ارائه برنامه های نظری-مبارزاتی چپ اصیل فرانسه است. امسال نیز فستیوال به صحنه بحث های همه جانبه و تدارک ضد حمله در مقابل دولت جدید بورژوازی فرانسه به رهبری نیکلای سارکوزی بود. گرچه به باور رفقای فرانسوی برای حل تمامی مسائل مربوط به نیروهای چپ در فرانسه، هنوز راه طولانی در پیش است، سازمان دهی چنین امکاناتی و انجام بحثها و کنفرانس هایی ازین دست امکان می دهد که جبهه کار و زحمت با تمام قوا آماده این کارزار شود.

"پیر لوران"، در سر مقاله اومانیته اشاره می کند: "این ضد حمله بی شک از طریق باز سازی چپ انجام پذیر خواهد بود... به هر حال بحث و گفتگو در بین چپ ها و همین طور بین کمونیست ها نیاز به در نظر گرفتن خواست های مردمی و شرکت آنها در مبارزه دارد."

رویداد مهم فستیوال امسال، تشکیل میزگردی از مسئولان حزب کمونیست فرانسه، حزب سوسیالیست، سبزها و اتحادیه کمونیست های انقلابی بود که در حضور شرکت کنندگان جشن به تبادل نظر پرداختند و همچنین قرار شد که این تبادل نظرها پس از فستیوال ادامه یابد.

رفیق "ماری زورژ بوفه"، رهبر حزب کمونیست فرانسه، در جریان این میزگرد گفت: "من افتخار می کنم که جشن اومانیته مسبب این تحرک شده است. ما در برابر یک جریان راست معمولی قرار نداریم. بلکه این جریانی است که می خواهد برای درهم شکستن دست آوردهای اجتماعی و دموکراتیک، بسی فراتر برود. با این راست باید جنگید. امروز به درستی چپ در جشن اومانیته به پا می خیزد... من پیشنهاد می کنم، روزی که سارکوزی در مورد به اصطلاح سیاست "اجتماعیش" سخنرانی می کند، ما نیروهای چپ جلسه ای ترتیب دهیم و اولین تصمیم هایمان را برای مقابله با سیاست هایش اعلام کنیم... از آنجا که بخش عمده ای از مردم مایوس شده اند ما باید نشان دهیم که سیاست دیگری امکان دارد. باید ثابت کنیم که می توان منابع دیگری برای پرداخت حقوق بازنشستگان پیدا کرد، از جمله از طریق مالیات بر سرمایه هایی که در بورس بازی و اختکار شرکت می کنند. اگر تغییراتی در پرداخت مالیات ایجاد کنیم که دیگر هدیه به ثروتمندان داده نشود، می توان آموزگاران بیشتری را استخدام کرد. دیدگاه ها در مورد تمام مسائل یکسان نیست ولی کوشش کنیم که امید را به مردمان باز گردانیم. نیروهای خود را باید در تمام جهات بسیج کنیم. حق بازنشستگی شایسته در ۶۰ سالگی، آموزش و موفقیت در تحصیل برای همه، خواست همه پرسر در مورد قرارداد جدید اتحادیه اروپا..."

حضور پر رنگ دختران و پسران جوان که با شور و شوق فراوان در بحث ها و میزگردهای سازماندهی شده، در طول سه روز فستیوال، به آن فضای دیگری داده بود. موفقیت فستیوال به ویژه به این لحاظ که مدت کوتاهی پس از یک شکست انتخاباتی نیروهای چپ فرانسه صورت می گرفت مفهوم ویژه ای پیدا می کند.

رفیق "پاتریک لوهیاریک"، سردبیر روزنامه اومانیته در برابر جمعیتی انبوه، در سخنرانی خود به این مطلب اشاره کرد که: "چه دلپذیر است که این چنین پرشماره این چنین زیبا، این چنین جوان و با این همه همبستگی در این جشن بزرگ اومانیته جمع بشویم..." او آنگاه خطاب به سارکوزی و در رابطه با سیاست محیلانه و

غرفه «نامه مردم» در فستیوال «اومانیته»

* غرفه "نامه مردم"، ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران، در قلب دهکده جهانی، امسال پذیرای صدها هموطن ایرانی بود.

* پدیده قابل توجه امسال مراجعه و اظهار علاقه تعداد قابل توجهی از جوانان ایرانی به بحث در مورد سیاست های حزب توده ایران، تاریخ معاصر ایران و نقش کمونیست های ایرانی در آن، و راه حل های پیشنهادی حزب مان در رابطه با تحولات کشور بود. * فستیوال اومانیته امسال تم مشخص و برجسته ای در رابطه با تحولات پر اهمیت آمریکای لاتین داشت و در جریان آن مراسمی در یاد بود چهلمین سالروز قتل "چه گوارا" برگزار شد.

فستیوال "اومانیته"، نشریه حزب کمونیست فرانسه، امسال نیز مانند هر سال در نیمه دوم شهریورماه (روزهای ۱۴، ۱۵، ۱۶ سپتامبر) در پارک عظیمی واقع در شهرک بورژوازی در حومه پاریس برگزار و پرشکوه برگزار شد. بیش از نیم میلیون نیروهای ترقی خواه و هوادار سوسیالیسم، به مدت سه روز، برای تبادل نظر، و ابزار عقیده نسبت به سرنوشت و آینده خویش، برای تدارک نبردی مهم و در حال گسترش در تمامی عرصه های جامعه فرانسه، در این فستیوال شرکت کردند.

امسال جشن پر شکوه نشریه کمونیست های فرانسوی خصلت هنری و فرهنگی بارز خود را برجسته تر و زیباتر از سال های دیگر به نمایش گذاشت. در مدت سه روز فستیوال صدها برنامه هنری متنوع اجرا شد. نمایشگاه های عکس، کتاب و نشریه های جالب و مفید در گوشه به گوشه پارک عظیم محل فستیوال برقرار بود. تمام مناطق کارگری و مهم فرانسه به همت سازمان های حزب کمونیست فرانسه غرفه های ویژه خود را به طرز زیبایی و با مشخصات سنتی و فرهنگی خود آراسته بودند.

غرفه های بسیاری از نشریه های پیشرو از چهار گوشه جهان در "دهکده جهانی"، در محل فستیوال، به مرکز نمایش فرهنگ های مختلف، تجلی زیباترین تبلور انترناسیونالیسم، بحث های روشنگرانه، و تبادل افکار و نظرات سازنده بدل شده بود. غرفه های با شکوه کشورهای کوئبا، ویتنام، ونزوئلا و الجزایر چشمگیر بود. شرکت و سخنرانی "آلیدا گوارا"، دختر چه گوارا، در فستیوال امسال مورد توجه بسیار قرار گرفت. از کشورمان ایران غرفه های "نامه مردم"، "کار" (فدائیان اکثریت)، "کار" (چریک های اقلیت)، و "اتحاد کار" (اتحاد فدائیان) در فستیوال امسال شرکت داشتند.

غرفه "نامه مردم"، ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران، در قلب دهکده جهانی، امسال پذیرای صدها هموطن ایرانی بود. رفقای هوادار حزب مان که غرفه "نامه مردم" را با پوستر ها و شعار های محوری حزب مان به طرز چشم گیر و زیبایی آراسته بودند از بازدید کنندگان با ارائه غذاهای سنتی ایرانی در فضای گرم و صمیمانه پذیرایی کردند. میزهای کتاب و نشریات حزب به زبان های فارسی، فرانسه و انگلیسی تحلیل ها و نظرات حزب مان را راجع به تحولات بزرگ جاری در اختیار بازدیدکنندگان غرفه و علاقمندان به اطلاع از تحولات ایران قرار می داد. پدیده قابل توجه در جشن امسال مراجعه و اظهار علاقه تعداد قابل توجهی از جوانان ایرانی به بحث در مورد سیاست های حزب توده ایران، تاریخ معاصر ایران و نقش کمونیست های ایرانی در آن، و راه حل های پیشنهادی حزب مان در رابطه با تحولات کشور بود.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در جریان

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

حزب ما در شرایط علنی سپری شده است. از مزدوران رژیم وابسته پهلوی گرفته که شمار بزرگی انسان های والا و رزمندگان قهرمان توده ای همچون روزبه، سیامک، مبشری، و کیوان ... را به جوخه های اعدام سپردند تا مزدوران رژیم ولایت فقیه، که در بزرگ ترین کشتار سیاسی تاریخ میهن ما، هزاران زندانی سیاسی را، از جمله شماری از قدیمی ترین زندانیان سیاسی جهان، اسطوره های پایداری زندان های شاه و رژیم ولایت فقیه، که بیش از سه دهه از عمر خود را به خاطر پایبندی به آرمان های طبقه کارگر و آزادی میهن در شکنجه گاه های شاه و رژیم جمهوری اسلامی سپری کرده بودند، قتل عام کردند. تلاش همواره امپریالیسم و ارتجاع داخلی جلوگیری از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی حزب توده ایران بوده و هست.

رژیم پهلوی، پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و سرکوب خونین جنبش ملی ایران، ۲۵ سال برای نابودی حزب توده ایران تلاش کرد و سرانجام خود به دست توانای انقلاب مردم میهن ما سرنگون شد. رژیم ولایت فقیه نیز خیلی زود کار نیمه تمام رژیم شاه را، در سال های دهه ۶۰ پی گرفت و سران رژیم در سال ۱۳۶۱، سرکوب حزب توده ایران را مهم تر از پیروزی در جبهه های جنگ ایران و عراق اعلام کردند. هراس ارتجاع و دشمنان مردم و میهن ما از حزب توده ایران به سبب تأثیرات مهم حزب در دگرگون کردن حرکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. انتشار سدها کتاب و جزوه علمی، نشریات و مجلات پر محتوای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نشر گسترده اندیشه های دوران ساز مارکسیسم-لنینیسم در جامعه، سازمان دهی سندیکاهای کارگری و دهقانی، سازمان دهی فعالیت های صنفی دانشجویی و ایجاد تشکل های پیشرو برای رهایی زنان میهن از چنگال واپس گرایی و ستم جنسی و طبقاتی، طرح برنامه های انقلابی و مبارزه برای به رسمیت شناختن حقوق کارگران و تصویب قانون کار، مبارزه برای تحقق اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، بهره مند شدن زنان از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، بهداشت و آموزش رایگان برای همه، تقسیم عادلانه ثروت و تحقق عدالت اجتماعی، تحقق حق خودمختاری، در چارچوب ایرانی آزاد، برای همه خلق های کشور و آزادی احزاب و جمعیت های صنفی، از جمله نظرات دوران سازی بودند که برای نخستین بار توسط حزب ما در کشور ما مطرح شد، از سوی گسترده ترین قشرهای جامعه مورد استقبال قرار گرفت، و در راه تحقق آنها هزاران توده ای و نیروهای مترقی مبارزه ای متشکل را سازمان دهی کردند.

هم میهنان آزاده!

شصت و ششمین سالگرد حزب توده ایران در حالی فرا می رسد که میهن ما با دشواری های روز افزون داخلی و خارجی روبه روست. سیاست های مخرب دولت احمدی نژاد، از یک سو وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشور را به شدت بحرانی کرده است و از سوی دیگر با از بین بردن ثبات اقتصادی، با وجود درآمد عظیم نفت، اکثریت مردم را با فشارهای کمر شکن اقتصادی رو به رو کرده است. زندگی ده ها میلیون شهروند زیر خط فقر، حتی تعریف شده از سوی دولت، و رشد شدید بیکاری، خصوصاً در میان جوانان، تشدید آهنگ ورشکستگی واحدهای تولیدی، گرانی فزاینده و تورم در حال رشد، گسترش بی سابقه ناهنجاری های اجتماعی؛ اعتیاد و فحشاء؛ در کنار تشدید جو اختناق و یورش گرمگان امنیتی رژیم به نیروهای دگراندیش، فعالان کارگری و سندیکایی، دانشجویان و زنان آزادی خواه، سیمای واقعی جامعه بحران زده ما را در شرایط ادامه حاکمیت رژیم ولایت فقیه ترسیم می کند.

ادامه وضعیت کنونی، خصوصاً تشنج بین المللی و درگیری های جدید منطقه ای می تواند نتایج فاجعه باری برای ایران و همسایگان آن به همراه داشته باشد. امپریالیسم آمریکا نشان داده است که برای استقرار هژمونی بی چون و چرایش در منطقه استراتژیک خلیج فارس آماده است تا با لشکر کشی و استفاده گسترده از نیروهای نظامی صلح و امنیت مردم منطقه را به نابودی بکشاند. هر گونه بهانه دادن به امپریالیسم و متحدان منطقه ای آن، برای دامن زدن به جو تشنج و آماده کردن اذهان عمومی، برای درگیری نظامی با ایران بی شک مخالف منافع ملی میهن ماست. حزب توده ایران اعلام کرده است که ضمن دفاع از حق طبیعی ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، معتقد است که موضوع برنامه هسته ای دولت ایران تنها بهانه یی برای توجیه سیاست های سلطه طلبانه امپریالیسم در منطقه است. درگیری های بسیار خطرناک کنونی منطقه، نه از طریق تهدید سیاسی، اقتصادی و نظامی بلکه تنها از طریق مذاکرات بین المللی قابل حل و فصل است. وجود بیش از صد هزار نیروی نظامی اشغالگر در عراق و افغانستان، در کنار حضور گسترده ناوگان آمریکا و دیگر کشورهای ناتو در خلیج فارس خود از علل اساسی وضعیت حاضر

است.

حزب توده ایران در تمامی شصت و شش سال حیاتش همواره منادی همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه و ضد استبداد کشور بوده و در این راه گام های مهمی برداشته است. امروز با وجود خطرات خارجی و داخلی که منافع میهن ما را تهدید می کنند اتحاد عمل آزادی خواهان بیش از پیش ضروری و نیاز فوری جنبش مردمی است. پیروزی ارتجاع در روی کار آوردن دولت گوش به فرمان خود در شرایطی امکان پذیر شد که نیروهای اجتماعی و سیاسی تحول طلب از پراکندگی مزمن و عدم هماهنگی رنج می بردند و نتوانستند در حساس ترین مقطع بر سر شعارهای واحد مبارزاتی به توافق برسند. چیره شدن بر این پراکندگی و اتحاد عمل همه آزادی خواهان حول خواست های اساسی مردم و نه منافع گروهی-فرقه ای راهکار اساسی غلبه بر ارتجاع و گشایش راه به سمت فراهم ساختن زمینه و زیربنای تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار در میهن ماست. این اتحاد عمل و همکاری راه گشای جلب قشرهای وسیع اجتماعی و سازماندهی آنان برای مقابله با توطئه ها و ترندهای ارتجاع است.

رزمندگان توده ای! اعضاء و هواداران حزب

حیات شصت و شش ساله حزب توده ایران بیش از هر چیز مدیون پیکار خستگی ناپذیر و قهرمانانه شماست. شما در شصت و شش سال گذشته در سهمگین ترین آزمون ها، وفادار به آرمان های والا و انسانی حزب طبقه کارگر ایران پرچم حزب ما را در اهتزاز نگاه داشتید و این راز روئین تنی حزب ماست، که بر رغم همه تلاش های غدارانه ارتجاع همچنان استوار و نیرومند در عرصه مبارزات سیاسی کشور حضور دارد. از بهمن ماه ۱۳۶۱، که یورش وسیع دستگاه های امنیتی رژیم به حزب ما آغاز شد تا به امروز، یعنی نزدیک به ۲۵ سال است که رژیم ولایت فقیه همه امکانات گسترده خود را، از کشاندن قربانیان شکنجه به پای تلویزیون، تا حزب سازی و تلاش برای انشقاق و انفجار حزب از درون، و بی اعتبار کردن رهبری آن، به کار گرفته است و همچنان به این تلاش ها ادامه می دهد. هوشیاری و آگاهی تحسین برانگیز اعضاء و هواداران حزب سد اساسی موفقیت برنامه های رژیم بوده و خواهد بود. در آستانه شصت و ششمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران با کاروان انبوه جان باختگان قهرمان حزب و همه جان باختگان راه آزادی تجدید عهد می کنیم و بار دیگر اعتقاد عمیق و خلل ناپذیر خود را به رسالت تاریخی حزب توده های کار و زحمت، برای رهایی ایران از چنگال استبداد و استقرار آزادی، استقلال واقعی و عدالت اجتماعی، اعلام می کنیم.

درد آتشین به خاطره تابناک همه جان باختگان راه آزادی
درد به زندانیان سیاسی قهرمان و همه خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی
پیروز باد مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی خواه برای طرد رژیم ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲ مهرماه ۱۳۸۶

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

ادامه امپریالیسم، دیکتاتوری نظامی ...

جنبش‌های دموکراتیک و انقلابی بهره گرفتند، از جمله در افغانستان. انقلاب ملی دموکراتیک در افغانستان، در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷، فرصتی بود برای ارتش و نظامیان پاکستان که بار دیگر وفاداری خود را به آمریکا نشان بدهند و پیوندهای نزدیک‌تری با آن کشور برقرار کنند. خاک پاکستان به اردوگاهی برای آموزش رزمندگان اسلامی «ضد کمونیست» تبدیل شد که از سوی نیروهای امنیتی پاکستان و آمریکا برای مقابله با دولت نوپیدا انقلابی افغانستان تربیت و تجهیز می شدند. بسیاری از این «مجاهدین» از میان همان مدارس مذهبی سرباز گیری شده بودند. «مجاهدین» در اردیبهشت ۱۳۷۱ دولت وقت افغانستان را سرنگون کردند؛ این وظیفه تاریخی «مجاهدین» به خوبی انجام شد. اما به مرور زمان، و در نهایت در پی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز جنگ کنونی در افغانستان و اشغال این کشور از سوی امپریالیسم، ورق برگشت و بخشی از همین «مجاهدین»، برای امپریالیسم و آمریکا تبدیل به دشمن شدند. این بار هم نظامیان حاکم بر پاکستان به تبعیت از برادر بزرگ، و در پی تهدیدهای عتلی آن، دست حمایت خود را از سر بنیاد گرایان اسلامی برداشتند و بار دیگر با آمریکا بیعت کردند. نیروهای «مجاهدین»، طالبان و دیگر بنیاد گرایان اسلامی دوباره در پایگاه‌هایی که در کشورهای دیگر و به ویژه در پاکستان داشتند، تجمع کردند.

در پاکستان، منطقه وزیرستان شمالی، در شمال غربی کشور و در نزدیکی مرزهای شمالی افغانستان، یکی از عمده‌ترین مناطق تجمع نیروهای طالبان است. از مناطقی مثل وزیرستان است که نیروهای طالبان به داخل افغانستان رفت و آمد می کنند. اکنون مدتی است که ترس از حمله نیروهای طالبان و القاعده از این نواحی تحت کنترل قبیله‌ای، منجر به تیرگی روابط بین پرویز مشرف و متحدانش به سرکردگی آمریکا شده است. مقام‌های آمریکایی به شدت به وجود مناطق امن طالبان و نیروهای بنیادگرای اسلامی در درون پاکستان، به ویژه در مناطق مرزی مثل وزیرستان شمالی معترض‌اند. در پاییز گذشته حکومت نظامی پاکستان قرارداد صلحی را با سرکردگان این منطقه امضا کرد که موجب سروصدا و جنجال زیادی شد. به موجب این قرارداد، نیروهای دولتی به طور عمده از این منطقه بیرون رفتند و سرکردگان قبیله‌ای توافق کردند که مانع عبور و مرور نیروهای مسلح اسلامی (طالبان) از مرز بشوند. ولی در پی رخدادهای مسجد لعل این معامله از سوی سرکردگان قبیله‌ای فسخ شد. آمریکایی‌ها، و حامد کرزی رییس جمهوری افغانستان، معتقدند که از زمان بستن آن قرارداد به بعد، رفت و آمد طالبان به افغانستان نه تنها کمتر نشده است بلکه افزایش یافته است. برخی از مقام‌های پاکستانی این مطلب را انکار می کنند و می گویند که پاکستان سپر بالای شکست‌های آمریکا و دولت افغانستان در تنظیم امور داخلی افغانستان و کنترل مرزهای مشترک شده است و همه تقصیرها بی‌جهت به گردن این کشور انداخته می شود.

از سوی دیگر، اوضاع اجتماعی - سیاسی - اقتصادی پاکستان، به ویژه در هفت سالی که از کودتای نظامی ژنرال پرویز مشرف می گذرد، موجب تزلزل پایه‌های دیکتاتوری نظامی حاکم بر کشور شده است. حاکمان نظامی پاکستان با سرکوب نیروهای مترقی، نادیده گرفتن حقوق مردم به طور کلی و حق خودمختاری ملیت‌ها از جمله خلق بلوچ، عدم رعایت و اجرای قوانین مدنی و قانون اساسی، تحمیل مقررات ضدکارگری، و در حاشیه قرار دادن مجلس و هیئت دولت، بی‌عدالتی و دیکتاتوری جانکاهی را در پاکستان اعمال کرده‌اند که این کشور صاحب قدرت هسته‌ای را به لبه سقوط و ورشکستگی کشانده است. از یک سو نظامیان صاحب املاک وسیع شهری و کشاورزی‌اند و کنترل بسیاری از صنایع عمده و مؤسسات آموزشی را در دست دارند، و از سوی دیگر بی‌کاری در حد بی‌سابقه‌ای است، ناپرابری، بی‌عدالتی و فساد بیداد می کند، و فاصله درآمد کل مردم کشور با درآمد شمار اندکی از صاحبان شرکت‌های بزرگ بیشتر و بیشتر می شود.

همه عوامل یادشده زمینه عینی مناسبی را برای شکل گرفتن یک عصیان و ناآرامی اجتماعی و قومی در پاکستان با هدف انجام تغییراتی با سمت و سوی دموکراتیک در این کشور، فراهم آورده است. اما به علت سرکوب شدید و طولانی مدت نیروهای مترقی غیرمذهبی، از جمله کمونیست‌ها توسط حکومت‌های نظامی، و حضور آزادانه نیروهای اسلامی در عرصه اجتماع، فعالیت این نیروها تسهیل شده و رشد یافته است. به طور کلی و در عرصه جهانی، حمله آمریکا و متحدانش به دو کشور مسلمان نشین افغانستان و عراق و اشغال این دو کشور، دنبال کردن سیاست خارجی خصمانه، نامتناسب و نامعقول از سوی این کشورها در خاورمیانه نسبت به کشورهای اسلامی، تهاجم اسرائیل به لبنان و فلسطین، و وحشیگری‌هایی مثل آنچه در زندان ابوغریب روی داد، همگی موجب آن شدند که شمار زیادی از توده‌های خواستار عدالت اجتماعی و خشمگین از سیاست‌های برتری طلبانه «آمریکا» و متحدانش در جهان، به سوی گروه‌ها و احزاب اسلامی «ضد آمریکایی» روی آورند که از آزادی فعالیت بیشتری در داخل این کشورها برخوردارند. پیروزی‌های انتخاباتی حماس در فلسطین، اخوان المسلمین در مصر، شورای متحد عمل در پاکستان، و رشد قابل توجه حزب الله در لبنان را باید در چنین زمینه‌ای بررسی کرد.

به این ترتیب، فعالیت نیروهای اسلامی برای برقراری حکومت اسلامی در بسیاری از مناطق پاکستان، به ویژه در مناطق نزدیک به وزیرستان، شدت یافته است. در برخی از مناطق «طالبان پاکستانی» ادارات محلی را تحت کنترل گرفته‌اند، مالیات می گیرند و دادگاه‌های شرع را اداره می کنند. کشتار شمار زیادی از مردم پاکستان توسط ارتش، در رویدادهای اعتراض آمیز «مسجد لعل» اسلام آباد، در تیرماه گذشته، تلاشی بود از سوی دیکتاتوری نظامی پرویز مشرف برای سرکوب ناآرامی‌های ضد دولتی اخیر - که نیروهای اسلامی شرکت گسترده‌ای در آن دارند - و جلوگیری از سرایت آن به دیگر شهرهای عمده پاکستان.

مجموعه این حوادث در پاکستان - ناآرامی‌های داخلی از یک سو و نقش فعال سیاسی طالبان و «القاعده» از سوی دیگر - موجب نگرانی شدید آمریکا و متحدان آن شده است. از دست دادن متحدی مثل پاکستان در این منطقه، که دولت‌های حاکم بر آن سال‌های درازی حافظ منافع آمریکا بوده‌اند، ضربه‌ای تحمل‌ناپذیر به طرح‌های استراتژیک امپریالیسم جهانی خواهد بود که آمریکا و متحدانش به هر قیمت برای جلوگیری از وقوع آن می کوشند. اوایل اسفند ماه سال گذشته، دیک چینی، معاون رییس جمهوری آمریکا، به همراه معاون مدیر سازمان سیا، سفری به پاکستان کردند تا ناخشنودی آمریکا را از نحوه کنترل و سرکوب شورشیان طالبان توسط پاکستان ابراز کنند، و حتی پاکستان را تهدید به قطع کمک‌های آمریکا کردند. مارگارت بکت، وزیر خارجه وقت انگلستان نیز همان روزها برای گفتگوهایی مشابه با مقام‌های پاکستانی در اسلام آباد بود. در همین حال، روز پنجشنبه ۲۹ شهریور نواری ویدیویی از بن لادن پخش شد که در آن علیه پرویز مشرف، که از او به عنوان «کافر و سرسپرده آمریکا» نام می برد، اعلام جهاد کرده است.

در همین ارتباط، و در تلاش برای برقراری «ثبات» و امنیت در پاکستان و فیرو نشاندن حرکت‌های اعتراضی پیش از آن کنترل از دست برود، طرح یک ائتلاف میان پرویز مشرف و بی‌نظیر بوتو، نخست وزیر اسبق پاکستان، در دستور کار آمریکا و متحدانش قرار گرفته است. به گزارش خبرگزاری «ایرنا»، «ترسینا شفر» سفیر سابق آمریکا در پاکستان، روز شنبه ۳۱ شهریور، در گفت‌وگویی با شبکه خبری «العالم» اظهار داشت «دولت آمریکا معتقد است که توافق میان پرویز مشرف و بی‌نظیر بوتو رییس حزب مردم پاکستان باعث می‌شود که مشرف بتواند بدون ضرورت به دستیابی به توافق با تندروها به حکومت خود ادامه دهد.» شفر با اشاره به کاهش محبوبیت مشرف در ماه گذشته خاطر نشان کرد «حتی اگر مشرف کنار برود این امر به معنای پایان کار سیاست آمریکا در این منطقه نخواهد بود، زیرا آمریکا با همه احزاب سیاسی پاکستان در دوره‌های مختلف تعامل داشته است.» سفیر سابق آمریکا در پاکستان همچنین گفت: «هر کدام از رقبای مشرف به قدرت برسد با آمریکا همکاری و تعامل خواهد داشت.»

در معامله پیشنهادی، ژنرال مشرف برای دومین بار، اما این بار به عنوان یک غیرنظامی، برای یک دوره پنج ساله در مقام ریاست جمهوری ابقا خواهد شد و خانم بوتو از اتهام فساد و رشوه خواری مبرا می شود و برای سومین دوره مقام نخست وزیر را از حراز خواهد کرد. بوتو اکنون ۸ سال است که در لندن در تبعید به سر می برد و گفته است که تا ۲۶ مهرماه به پاکستان باز خواهد گشت. یکی از شروط خانم بوتو، کناره گیری مشرف از مقام فرماندهی کل قوا است. دوران ریاست جمهوری مشرف در ماه آبان پایان می یابد و رای گیری برای انتخاب رییس جمهور توسط نمایندگان مجلس‌های ملی و استانی قرار است در ۱۴ مهرماه انجام شود. اما مشرف اعلام کرده است که فقط پس از انتخاب به مقام ریاست جمهوری و در آستانه سوگند خوردن (۲۴ آبان) حاضر به رها کردن مقام فرمانده کل قوا و بیرون آمدن از یونیفورم نظامی خواهد بود. این باج خواهی مشرف مورد اعتراض احزاب مخالف، و از جمله حزب مردم پاکستان (حزب بی‌نظیر بوتو) قرار گرفته است، که آن را غیر دموکراتیک و غیرقانونی خوانده‌اند. این احزاب همچنین خواستار آند که رای گیری برای انتخاب رییس جمهور پس از انتخابات آتی مجلس در دی ماه و توسط نمایندگان مجلس بعدی صورت بگیرد نه نمایندگان مجلس کنونی که با تقلب و دسیسه به مجلس راه یافته‌اند. به گفته مهدی حسن، یکی از صاحب نظران سیاسی امور پاکستان، «ژنرال مشرف از روی اکراه و ناچاری است که در برابر فشارهای فزاینده داخلی و بین‌المللی برای برقراری «قانون» تسلیم می شود... پایگاه واقعی قدرت مشرف، ارتش است و او نمی خواهد پیش از به دست آوردن مقام ریاست جمهوری از مقام فرماندهی کل قوا دست بکشد... اما دیر یا زود مجبور به این کار خواهد شد.» به نظر می آید که تغییرات اخیر صورت گرفته در «سازمان امنیت و اطلاعات پاکستان»، اصلی ترین ابزار حکومتی در صحنه سیاست گذاری داخلی و منطقه‌ای پاکستان در دو دهه اخیر، به منظور آمادگی برای روزهای بحرانی آتی در صحنه سیاسی کشور باشد. ۳۱ شهریور خبرگزاری‌ها اعلام کردند که ژنرال ندیم تاج از سوی مشرف به عنوان رییس جدید سازمان امنیت و اطلاعات پاکستان منصوب شده است. ژنرال ندیم یک نظامی امن و مورد اعتماد مشرف است که پیش از این معاون نظامی رییس جمهور بوده است.

معامله شراکت در قدرت میان بوتو و مشرف گزینه برتر واشنگتن برای متحدی است که در جنگ آمریکا بر ضد القاعده نقشی محوری دارد. اما این که این طرح برای آینده تحولات دموکراتیک در پاکستان و مردم این کشور هم مفید است یا نه، مسئله‌ای دیگر است. در چنین معامله‌ای فقط جای مهره‌ها عوض می شود. در صورتی که چنین معامله‌ای سر بگیرد، قدرت نهادهای پرووکراتیک - نظامی و از

بیانیه پر اهمیت احزاب کمونیستی و کارگری جهان

بر ضد یک جنگ آمریکایی دیگر و برای صلح و دموکراسی در ایران

امپریالیسم، دیکتاتوری نظامی،
بنیاد گرایی اسلامی، و جنبش
مردمی در پاکستان

جنبش‌های شصتین سالگرد استقلال هند و ایجاد جمهوری پاکستان، در آخرین هفته مردادماه (۱۵ اوت) مصادف با اوج گیری بحران سیاسی- اجتماعی عمیق و همه جانبه ماه‌های اخیر در پاکستان بود. گزارش‌های مطبوعات جهان حاکی اند از تغییرات پر دامنه آتی در صحنه سیاسی پاکستان. با توجه به روابط گسترده موجود میان رژیم‌های حاکم بر ایران و پاکستان در دهه‌های اخیر، کنترل ویژه امپریالیسم آمریکا بر جهت‌گیری تحولات سیاسی کلان در ایران و نقش نیروهای اسلامی در این تحولات، و تاثیر گذاری مشخص تحولات سیاسی دو کشور بر یکدیگر، پیگیری این تحولات برای جنبش مردمی در کشورمان اهمیت فراوانی دارد.

حقیقت این است که به غیر از دوره‌ای بسیار کوتاه پاکستان از همان ابتدای جدایی از هندوستان و شکل‌گیری آن به صورت یک کشور مستقل، در سال ۱۹۴۷ میلادی (۶۰ سال پیش)، همواره متحده استواری برای امپریالیسم، و به ویژه ایالات متحده آمریکا، بوده است. از همان آغاز، طبقات فئودال و بورژوازی حاکم برای حفظ منافع خود دست در دست امپریالیسم گذاشتند. اما در روندی تدریجی و مستمر به منظور تحکیم قدرت، مقابله با خواست‌های مردمی، و تأمین منافع امپریالیسم در منطقه، نیروهای نظامی قدرت فزاینده‌ای یافتند تا این که در سال ۱۹۵۸ قدرت را به طور کامل در دست گرفتند، از همان زمان تا کنون نظامیان، مستقیم و غیر مستقیم، در قدرت باقی مانده‌اند.

در دهه ۷۰ میلادی و در پی پیروزی‌های متعدد جنبش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی در سراسر جهان، کشورهای امپریالیستی که به شدت نگران گسترش این روند بودند برای توقف آن به تکیه افتادند. یکی از برنامه‌های امپریالیسم در این راه، برپایی مدرسه‌های مذهبی در پاکستان بود که با کمک‌های مالی گسترده عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی و دیگر متحدان وفادار آمریکا - ایجاد شدند و از سراسر جهان شاگرد می‌گرفتند. شمار این مدرسه‌ها در پاکستان ۸۰ هزار تخمین زده می‌شود. قدرت‌های امپریالیستی در هر جا و به هر نحو که برایشان امکان داشته است، از شاگردان و گردانندگان این مدارس برای مقابله با

ما احزاب امضا کننده این بیانیه، نگرانی شدید خود را نسبت به تنش فزاینده در منطقه خلیج فارس ابراز می‌کنیم، که ناشی از موضع‌گیری برتری طلبانه و نظامی‌گرایانه آمریکا در مقابله با ایران است (از جمله اظهارات اخیر جورج بوش در ۲۱ شهریور ۸۶). فشارهایی که از سوی نیروها و کشورهای گوناگون، به سرکردگی آمریکا، در ارتباط با تمایل اعلام شده ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، به این کشور وارد می‌شود، فقط پوششی است بر تلاش‌های آمریکا به منظور تأمین نظارت آن بر گوشه‌ای از خاورمیانه که بهترین موقعیت را برای قبضه کردن کنترل تولید و صدور منابع انرژی در این بخش از جهان را داراست. ما همچنین نگرانی شدید خود را نسبت به اظهارات تحریک‌آمیز و غیرقابل قبول رییس‌جمهور ایران ابراز می‌کنیم. این اظهارات به آمریکا و متحدانش، و به ویژه دولت اسرائیل، بهانه داده است که به تحریک‌های خودشان برضد ایران ادامه دهند. رژیم ایران نیز از این وضع برای ادامه و تشدید سرکوب نیروهای مترقی، سندیکاهای جنبش‌های جوانان و دانشجویان، و جنبش‌های زنان بهره می‌گیرد.

ما همبستگی کامل خود را با مردم و نیروهای مترقی ایران، با جنبش سندیکایی، جوانان و دانشجویان و زنان، که در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند اعلام می‌کنیم. **ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم**، به ویژه رهبران سندیکایی، فعالان جنبش دانشجویی، و مبارزان حقوق زنان، که در ماه‌های اخیر دستگیر و شکنجه شده‌اند. **ما مخالفت کامل، شدید و بی‌قید و شرط خود را با هرگونه تجاوز یا مداخله نظامی برضد ایران توسط آمریکا، اتحادیه اروپا یا اسرائیل اعلام می‌کنیم**. ما قاطعانه از همه تلاش‌های صمیمانه و خالصانه در راه حل و فصل اختلاف‌های موجود بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از راه‌های صلح‌آمیز و دیپلماتیک پشتیبانی می‌کنیم. ما خواستار از میان بردن همه سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، رعایت کامل و بی‌خداشه پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و اعلام این منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای هستیم. سمت و سوی تحولات آتی ایران فقط باید توسط خود مردم ایران تعیین شود و نه دیگران.

حزب توده ایران

- حزب زحمتکشان مترقی قبرس (اکل)
- حزب کمونیست یونان
- حزب کمونیست پرتغال
- حزب کمونیست فرانسه
- حزب کمونیست بوهیما و مورایوا (چک)
- حزب کمونیست آلمان
- حزب کمونیست اسپانیا
- حزب کمونیست ایتالیا (رفونداسیون)
- حزب کمونیست های ایتالیا
- حزب کمونیست - کارگری مجارستان
- حزب کمونیست بریتانیا
- حزب کارگر سوییس
- حزب کمونیست ایرلند
- حزب چپ اروپا
- حزب چپ آلمان (دی لینک)
- حزب کمونیست نروژ
- حزب کمونیست فنلاند
- حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
- حزب کمونیست کانادا
- حزب کمونیست های مکزیک

- حزب کمونیست ونزوئلا
- حزب کمونیست پرو
- حزب کمونیست استرالیا
- حزب کمونیست لبنان
- حزب کمونیست سوریه
- حزب کمونیست اردن
- حزب کمونیست ترکیه
- حزب کمونیست اسرائیل
- حزب کمونیست عراق
- حزب مردم فلسطین
- حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان
- حزب کمونیست آفریقای جنوبی
- حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
- حزب کارگر دموکراتیک و میهن دوست تونس
- جنبش خلق برای آزادی انگولا (مپالا)
- حزب مستقل و کارگر سنگال
- حزب کمونیست گوادولوپ

کمک های مالی رسیده

آنوش مشاباد ۶۰۰ دلار

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
- 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
- E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 774
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

29th September 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse